احتمال دوم) تشکیل فطحیه ثانیه در زمان امام عسکری (ع) نسبت به اعتقاد انتقال امامت به بردار؛ جعفر کذاب

در معانی الاخبار می‌گوید «الفطحیة الثانیة» چه کسانی هستند. کسانی هستند که انتقال امامت به بردار را قبول کردند و همینطور تا امام حسن عسکری علیه السلام آمدند، تولد حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه مخفی بود؛ به همه نمی گفتند به خواص شیعه می‌گفتند، کسانی که در بدنه عمومی می‌گفتند امام فرزند ندارند، گفتند همانطور که از عبدالله به امام کاظم رفت، حالا هم از امام عسکری به جعفر می‌رود. جعفر بن علی که به جعفر کذاب معروف است. اینها فطحیه ثانی هستند.

شاگرد: عبدالله را هم قبول داشتند؟

استاد: بله، عبدالله را هم قبول داشتند. آنها می‌گفتند امام صادق، عبدالله، امام کاظم و همینطور می‌آمدند تا امام عسکری علیه‌السلام و بعد جعفر را می‌گفتند. در رسم خودشان در احتضار هم ذکر می‌کردند. مرحوم صدوق در معانی الاخبار اسم اینها را فطحیه ثانیه گذاشته‌اند. کما اینکه المحمدیه کسانی بودند که قائل به امامت سید محمد بودند.

در این فضا یک مطلب دیگری هم هست؛ آیا جعفر کذاب در زمان خود امام عسکری علیه‌السلام مسأله امامتش مطرح شد یا نه؟ آن چه که دنبالش هستیم و این شاهدش هست، این است که می‌شد فطحیه مثل احمد که انکار می‌کرد و عقیده شان بود، وقتی فضا فضایی بود که ظاهرش این بود که امام حسن عسکری فرزندی ندارند، اینها در زمان حیات خود امام عسکری تصریح می‌کردند که امام بعد از حضرت، جعفر است. اینجا بود که با تصریح فطحیه آن زمان -که مثل احمد انکار می‌کرد- به اینکه بعد از امام عسکری، جعفر می‌آید، دیگر بالفعل حجیت فتوای سابق آنها تمام شد. پس قبلش فتوا می‌دادند، چون صریح و ظهور خلاف عقیده، محقق نبود، فتاوایشان قبل از آن عصر شرائط حجیت را داشت. چون فطحیه در حالت اختفاء بود و اصلاً آثار اجتماعی نداشت، لذا فتاوایشان اعتبار فقهی داشت. اما به محض اینکه اینچنین شد که علاوه که می‌خواهند امام عسکری را امام سیزدهم کنند، جعفر را هم می‌خواهند امام چهاردهم کنند. به این صورت می‌خواستند خلافاء اثنی عشری را که متواتر بود و شیعه و سنی داشتند و حتی در توراة بشارت خدای متعال به حضرت ابراهیم بود را انکار کنند. در توراة آمده ای ابراهیم تو را به فرزندت اسماعیل بشارت

می‌دهم که دوازده عظیم از او پدید می‌آیند؛ «اثنی عشر عظیما». البته مدمد هم در آن جا هست.

شاگرد: خود احمد بن حسن هم کتاب فتوایی داشته؟

استاد: بله.

شاگرد: خب چرا حجیت فتوایی قبلی ها به‌خاطر اینکه او مشکل داشت، خراب می‌شود؟

استاد: ببینید کتبی بودند که از هم نقل می‌کردند. در یک بیت بوده است. کتب بنی فضال. لذا بنی فضال دیگر فطحی خفیفی که مانعی نداشت به فتاوای آن‌ها عمل کنید، نبودند. الآن دیگر یک فطحی قوی منحرف کننده و موج ایجاد کننده اجتماعی شده‌اند که نباید فتاوای آن‌ها حجیت داشته باشد.

شاگرد: اگر این جور بود بهترین راه این بود که احمد را...

استاد: خب احمد دارد می‌گوید پدرم مثل من است. در جامعه دارد به این صورت بازتاب می‌دهد که پدرم مثل من است. البته اینکه انکار احمد واقعی بوده، محتملات حسابی مطرح است. ذهنم به این‌ها مشغول می‌شود. اینکه وجه چطور بوده، فعلاً ظاهرش را می‌گوییم که او انکار کرده است. این‌ها هم سبب سؤال از امام شد. اما اینکه درواقع مطلب محتملات دیگری هم هست یا نه، حرف‌های دیگری است. در گام های بعدی می‌توانیم تحلیل‌های دقیقی ارائه بدهیم. فعلاً ظاهر حال را نقل می‌کنیم.

شاگرد۲: نسبت به فرمایش اوّل که فرمودید فطحیه خفیف را به‌خاطر فضایی که ممکن بود نیاز بشود نگه داشتند، بعضی چیزها مثل تقلید از آثار ضعیف و قوی آن نیست.

استاد: صبر کنید تا بعضی از چیزها را بگوییم تا روی آن تأمل کنید.

بازبینی #3
ایجاد شده 1 ژانویه 2026 13:48:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 مارس 2026 16:00:30 توسط ... .